



پیشین اطمینانی هم نمی‌رسد. این فیلم نه تنها فرصت طلایی پرداختن جدی به معضل اعتماد را از دست داده، بلکه با تکیه بر فرمول‌های کلیشه‌ای، چرخه معیوب تولید کمدی‌های کم‌مایه را تقویت می‌کند. موفقیت مالی آن این پرسش اساسی را بر جای می‌گذارد: آیا سینمای ایران می‌تواند میان خواست گیشه و نیاز به کیفیت توازن ایجاد کند؟ برای پاسخ به این پرسش باید دید آیا اطمینانی و همتابانش پس از این موفقیت مالی جرات می‌کنند از منطق تکرار فاصله بگیرند و به سمت آثاری با عمق هنری بیشتر حرکت کنند؟

سرمایه‌گذاری روی فیلم‌نامه‌های عمیق یا نوآوری در کارگردانی، به فروش کلان رسید. این روند نه تنها به سقوط ذائقه مخاطب و حذف تدریجی ژانرهای غیر کمدی از اکران دامن می‌زند، بلکه با تکرار بازیگرانی مانند جمشیدی در نقش‌های مشابه، فرصت‌های رشد را از بازیگران جدید و ایده‌های نو می‌گیرد. در نتیجه، سینمای ایران در چرخه باطل تکرار گرفتار شده است. «دایناسور» نماد بارز این دوگانگی ایرانی است، اثری که اگر چه از نظر تجاری بی‌نظیر عمل کرده، اما از نظر هنری حتی به میانگین کیفیت آثار

نقدی بر فیلم صدرنشین جدول اکران:

«دایناسور»؛ طنز اینستاگرامی و شوخی‌های

قابل پیش‌بینی

مهدی صالحی منتقد سینما

+شوخی‌های ساده + تبلیغات گسترده (بار دیگر گیشه را فتح کرده است؛ اما این موفقیت هزینه‌های سنگینی دارد. فیلم‌برداری طراحی صحنه و موسیقی فاقد خلاقیت هستند و تنها در سطحی عملکردی باقی می‌مانند. تکیه بر طنز موقعیت‌های پیش پا افتاده به جای پرداختن بیشتر به داستان سبب شده در بسیاری از صحنه‌ها (مثل دستگیری سارقان بانک توسط رضا) صرافایی «پر کردن زمان» طراحی شده‌اند و نقشی در پیشبرد داستان ندارند.

نقاط قوت محدود

تلاش فیلم برای پرداختن به اهمیت حضور پدر در خانواده (هرچند با چاشنی طنز) نقطه قوت قابل توجهی است. رابطه رضا و رز نشان می‌دهد نبود پدر چگونه می‌تواند به انحراف فرزند منجر شود. امیر جعفری در مقایسه با پژمان جمشیدی نسبتاً توانسته با رز اثری بیشتر و دیالوگ‌های بازمه‌تر بر برخی صحنه‌ها را نجات دهد. آسیب‌شناسی تأثیر فیلم بر سینمای ایران

موفقیت مالی «دایناسور» به سازندگان ثابت می‌کند که می‌توان بدون

فیلم گرچه قصد دارد اعتبار را به‌عنوان معضلی اجتماعی نقد کند اما با شوخی‌های سبک (مثل صحنه‌های تروم جلال) و تپیداختن به عواقب واقعی آن ناخواسته به عادی‌سازی این مسئله کمک می‌کند.

بازی‌ها، تکرار مکررات

پژمان جمشیدی با وجود توانایی‌های اثبات‌شده در نقش آفرینی این بار هم در گرداب تکرار گرفتار شده است. بازی او تفاوت محسوسی با نقش‌های قبلی‌اش در کمدی‌های اطمینانی ندارد و تنها با افزودن ظاهری ژولیده تلاشی سطحی برای متفاوت‌نمایی کرده است.

امیر جعفری در نقش «جلال» (رفیق رضا) اگرچه عملکردی نسبتاً بهتری دارد و چند شوخی موقعیتی را به خوبی پیش می‌برد اما نقش او نیز در نهایت تیپیکال و قابل پیش‌بینی است.

بازی نگار فروزنده در نقش همسر سابق رضا غافلگیرکننده و تأثیرگذار است اما شخصیت‌های فرعی مانند «افعی» (فرزانه قاسم‌زاده) و رهبران مواد مخدر به کلیشه‌های دهه ۶۰ تقلیل یافته‌اند.

کارگردانی، فرمول ثابت موفقیت مالی

اطمینانی با تکیه بر فرمول همیشگی خود (استفاده از بازیگران محبوب

فیلم «دایناسور» انسجام‌روایی ندارد و از الگویی تکه‌تکه پیروی می‌کند. این اثر بیشتر به مجموعه‌ای از کلیشه‌های طنز اینستاگرامی شبیه است تا یک روایت سینمایی منسجم. شوخی‌ها غالباً سطحی و قابل پیش‌بینی و فاقد نوآوری هستند.

«دایناسور» به کارگردانی مسعود اطیابی و نویسندگی امیر برادران در اسفند ۱۴۰۳ اکران شد و تاکنون پرفروش‌ترین فیلم سینمای ایران در سال ۱۴۰۴ شده است. داستان فیلم حول محور «رضا دایناسور» (با بازی پژمان جمشیدی) یک معنادار به تریاک می‌چرخد که پس از جابه‌جایی نتیجه آزمایش‌اش با یک بیمار سرطانی تصور می‌کند یک مساه به مرگش باقی مانده و تلاش می‌کند پیش از مرگ رابطه‌اش با دخترش «رز» (سها نیاسی) را که به ساقی مواد تبدیل شده ترمیم کند.

شخصیت پردازی ضعیف

شخصیت رضا با وجود پتانسیل دراماتیک بالا عمق نمی‌یابد. لقب «دایناسور» هیچ توجیه‌روایی ندارد و نقش او صرفاً تکرار کلیشه‌های قبلی پژمان جمشیدی در فیلم‌هایی مانند «انگراس» و «هتل» است.

تناقض در پرداخت اعتبار

نگاهی به فیلم «تگ تیرانداز»؛ شلیک به قلب واقعیت



است. ای کاش فیلم به جای اقتباس بی‌حساب و برداشت سطحی از ساختار هالیوودی، این تفاوت را پررنگ‌تر می‌کرد و بهتر نشان می‌داد زرين چرا و چگونه تیر می‌زد و چرا مهم است او با چنان باوری می‌زد.

فرصت از دست رفته

فیلم تگ تیرانداز یک فرصت بزرگ را از دست داده است؛ بازنمایی قهرمان گمنامی از جبهه‌های جنوب ایران که به جای اسطوره‌سازی بی‌ریشه، واقعا اسطوره بود. شهیدلی از دل فرهنگ لر نشین، یادقت و آرامش، و با ایمان به خدا شلیک می‌کرد و هر گلوله‌اش پشتوانه‌ی فکری و اعتقادی داشت.

اما فیلم، با دروغ گفتن درباره هویت، درآوردن لهجه، ساختن دشمن خیالی، انتخاب بازیگری نامتناسب و مصداق‌کردن واقعیت، قهرمان را از ما گرفت. اگر قرار است سینمای ما گفتمان دفاع مقدس را بازنمایی کند، باید به حقیقت پایبند باشد. نه به فانتزی.

✳️حاتم ایتسالم، نویسنده و کارشناس فرهنگی

می‌گیرند.

در فیلم تگ تیرانداز، گاه این حس القا می‌شود که زرين خودسرانه و بی‌مسئورت عمل می‌کند، و این تصویر، با ارزش‌های فرهنگی و دینی دفاع مقدس در تضاد است. حتی آموزش دادن گروهی از جوانان که می‌توانست فرصتی برای نمایش تفکر جانشین‌پروری زرين باشد، به پروژهای نیمه‌کاره تبدیل می‌شود. ما نه‌سر نوشت آن شاگردان را می‌فهمیم، نه تحولی در سلوک شخصی زرين می‌بینیم.

ملغمه‌های ژانرها

نکته‌ای که کمتر به آن پرداخته شده، شباهت‌ها و تفاوت‌های محتوایی و ساختاری فیلم ایرانی با فیلم «تگ تیرانداز آمریکایی» (American Sniper) ساخته کلینت ایستوود است. آن فیلم در سال ۲۰۱۴، روایتی از کریس کابل، تگ تیرانداز آمریکایی در عراق ارائه‌دهنده شخصیتی که بیش از ۱۶۰ کشته در کارنامه‌اش داشت و در نهایت هم سر نوشت تلخی یافت.

فیلم ایرانی تگ تیرانداز، در بسیاری از عناصر کلیدی، از شخصیت‌محوری مطلق تا مواجهه با تگ تیرانداز دشمن، حتی در بعضی موتیف‌های بصری، تحت تأثیر آن اثر آمریکایی است. اما تفاوت در هدف و جهت تیر هاست: تگ تیرانداز آمریکایی، مردم را می‌زد غیر نظامیان یا کسانی که صرفاً شکار انگیز بودند. او دست آخر هم از تیراندازی آسیب روانی دید.

اما شهید زرين، بنابر روایات معتبر، فقط وقتی می‌زد که مطمئن بود. او مردم را نمی‌زد. او باطن را می‌دید و به تعبیر فیلم، بیشتر از آنکه بزنده‌نزد، این تفاوت بنیادین است و از نقاط مثبت فیلم علی غفرای

فیلم می‌توانست با الهام از شخصیت شهید زرين ساخته شود و آزادی هنری بیشتری در داستان پردازی داشته باشد؛ اما وقتی نام واقعی شهید آورده می‌شود و اثر خود را به استاد ربط می‌دهد، باید به همان میزان پایبند به واقعیت تاریخی بماند.

معنویت و اخلاق جنگی

بسیکی از نکات مثبت و قابل توجه فیلم، اشاره به گفتمان دینی و اخلاقی زرين در جنگ است. او نه صرفاً به عنوان یک مانعین کشتار، بلکه به عنوان انسانی دغدغه‌مند با چارچوب اخلاقی دقیق معرفی می‌شود؛ کسی که بیشتر از آنکه شلیک کند، تصمیم می‌گیرد که شلیک نکند. این بخش از فیلم بیشتر با دیالوگ‌ها به تصویر کشیده شده و با آواز روایتی مشهور از گفت‌وگوی مالک اشتر و امام علی (ع) است. روایتی که محور آن این است که جنگ، بدون شناخت و بدون توجه به امکان اصلاح، صرفاً کشتار است، نه جهاد.

در دل فیلم‌های جنگی، این نگاه دینی و درونی، فرصتی است برای تمایز سینمای دفاع مقدس با دیگر ژانرهای جنگی در جهان. اما متأسفانه، این وجه مثبت، به‌خاطر ضعف‌های دراماتیک (نمایشی) فیلم، گم می‌شود.

قهرمان تنها یا جبهه‌مند؟

فیلم با تمرکز کامل بر قهرمان، زرين را در مرکز مطلق روایت قرار می‌دهد. اما این تمرکز بیش از حد، گاهی به فردگرایی افراطی می‌انجامد. دفاع مقدس مابین بی‌سار کار جمعی، ولایت‌پذیری و اخلاص بود. فیلم‌هایی که قهرمان را بیش از اندازه تنها و تصمیم‌گیرنده نشان می‌دهند، از روح جمعی جبهه‌ها فاصله

لهمجه، فیزیک بازیگر هم با واقعیت شهید سازگار نیست. در فیلم به ضرورت جسمی تگ تیراندازی اشاره می‌شود: خوشن‌داری، کم‌خند بودن، فرو رفتن در کمین، صبر، پنهان‌کاری و غیره؛ اما بازیگری که در نقش شهید ظاهر شده، نه از نظر فیزیکی باورپذیر است، نه کوچک‌ترین نشانی از سختی‌های این نقش را در چهره، بدن، یا بازی خود منعکس می‌کند.

فیلم می‌توانست حتی در بازآفرینی همین شخصیت تخیلی‌ای که ساخته، حداقل سختی و زیست دقیق یک تگ تیرانداز را به تصویر بکشد؛ اما نه از خستگی خبری هست، نه از گر سنگی، نه از تعادل دقیق بین سکون و خشونت، حتی همان کاراکتر ساخته‌شده هم نقص‌های واضح دارد و در باور مخاطب تشنین نمی‌شود.

واقعیت یا فانتزی؟ وقتی قهرمان راستش را نمی‌گوید

فیلم خود را به عنوان اثری بر پایه واقعیت معرفی می‌کند. نشانه‌های استفاده از مصاحبه‌های هم‌زمان شهید زرين در تیزر ژاپانی است. اما وقتی در داستان فیلم با روایتی مواجه می‌شویم که به‌وضوح ساختگی و دراماتیز شده به سبک سینمای هالیوود است؛ از جمله شخصیت پردازی ضد قهرمان یعنی، تگ تیرانداز رویبرو، رابطی شخصی پیچیده‌ای که با زرين دارد و انگیزه‌های انتقام‌جویانه‌ای که از دل گذشته‌های مبهم بیرون می‌آید.

پرسش جدی این است: آیا چنین مواجهه‌ای بین زرين و دشمنش واقعا رخ داده؟ اگر بله، پس چرا در منابع مکتوب و شفاهی دفاع مقدس اثری از آن نیست؟ و اگر نه، چرا فیلم چنین ادعای بی‌پشتوانه‌ای دارد و واقعیت را با خیال، تا این اندازه درهم می‌آمیزد؟

پرفیوم گالری کیش

بورس انواع

ادکلن های اورجینال و شرکتی

PARFUM_GALLERY_KISH

07644458209

0935700017

جزیره کیش، بازار مروارید، لاین آریا، غرفه ۹

لوازم التحریر

هانی تحریر

انواع لوازم تحریر ، اداری ، بازی فکری
لوازم کادویی و کلیه آیتام های
وارداتی فانتزی

خودکار پرگار تراش مداد
گونیادفتر کتاب پاککن

۲۰۹۹ ۲۹۹ ۰۹۰۲ ۴۴۴۵ ۴۹۶۳ ۰۷۶

کیش - صدف - خیابان خراسان - مرکز خرید بساک- غرفه 12

PC
KISH

فروشگاه کامپیوتر

PC-KISH

عرضه کننده انواع کامپیوتر ، لب تاپ
ماشین های اداری و لوازم جانبی
تعمیرات سخت افزار و نرم افزار
و شبکه

۰۹۳۷۴۲۴۵۸۳۸

دیپلمات مال صفین ، طبقه سوم ، پلاک ۴

یاسین الماس چارک

✳️ حمل و نقل دریایی و ترانزیت

✳️ ارسال کالا و خودرو از بندر چارک به جزیره کیش، سیر، لاوان و هندورابی

✳️ چارتر انواع شناورهای باری و مسافری

✳️ انجام کلیه امورات اجتنی

✳️ ارسال بار از امارات به ایران بصورت سریع و امن

۰۹۱۷۷۶۲۷۰۳۹

عبدالمجید قاندری پور

جهت درج آگهی ثبت شرکتها در روزنامه محلی اقتصاد کیش

به نشانی: روبروی دادگستری قدیم کیوسک احمد نیک پور مراجعه فرمائید

۰۹۳۴۷۶۸۰۹۷۷